

مجموعه مقالات

# خلیل ملکی

به کوشش: رضا آذری شهرضایی

جلد یکم  
حزب توده



کتابخانه

فهرست



# مجموعه مقالات خلیل ملکی

## جلد اول

به کوشش رضا آذری شهرضایی



نشر اختران

|                     |                                                                               |
|---------------------|-------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : ملکی، خلیل، ۱۳۸۰ - ۱۳۳۸.                                                    |
| عنوان و پدیدآور     | : مجموعه مقالات خلیل ملکی / به کوشش رضا آذری شهرضایی                          |
| مشخصات نشر          | : تهران: اختران، ۱۳۹۳.                                                        |
| مشخصات ظاهری        | : ج ۵.                                                                        |
| شابک                | : دوره: ۴-۳۷-۰۳۴-۲۰۷-۹۶۴-۹۷۸؛ ج ۱: ۱-۹۳۲-۲۰۷-۹۶۴-۹۷۸؛ ج ۲: ۲-۶-۳۳-۲۰۷-۹۶۴-۹۷۸ |
|                     | : ج ۳: ۳-۳۴-۲۰۷-۹۶۴-۹۷۸؛ ج ۴: ۴-۵-۳۵-۲۰۷-۹۶۴-۹۷۸؛ ج ۵: ۵-۷-۳۶-۲۰۷-۹۶۴-۹۷۸     |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | : فیبا.                                                                       |
| موضوع               | : حزب توده ایران                                                              |
| موضوع               | : مقاله‌های فارسی - قرن ۱۴                                                    |
| موضوع               | : ایران - تاریخ پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷                                            |
| شناسه افزوده        | : آذری شهرضایی، رضا ۱۳۴۲ -، گردآورنده                                         |
| رده‌بندی کنگره      | : ۱۳۹۳ م ۷ / م ۱۴۷۶ DSR                                                       |
| رده‌بندی دیویی      | : ۹۵۵ / ۰۸۲ *                                                                 |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۸۲ - ۳۲۰۴۷ م                                                                |



نشر اختران

### مجموعه مقالات خلیل ملکی (جلد اول)

به کوشش: رضا آذری شهرضایی

طراح جلد: ابراهیم حقیقی

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰

لیتوگرافی: پارسیان - چاپ: فرشیه - صحافی: سیدین

کارگر جنوبی، روانمهر، پ ۱۵۲، ط ۱، تلفن: ۰۶۶۴۱۰۳۲۵ و 090Akhtaran فروشگاه: ۰۶۶۴۱۱۴۲۹

www.instagram.com/akhtaranpub - www.akhtaranbook.ir - info@akhtaranbook.ir

شابک دوره: ۴-۳۷-۰۳۴-۲۰۷-۹۶۴-۹۷۸ --- شابک ج ۱: ۱-۹۳۲-۲۰۷-۹۶۴-۹۷۸

همه‌ی حقوق محفوظ است

## فهرست مطالب

یادداشت ناشر

مقدمه

یازده

سیزده

### دوران اول: اردیبهشت ۱۳۰۹ الی فروردین ۱۳۱۳

|    |                                                |
|----|------------------------------------------------|
| ۳  | ۱. خودکشی یک محصل ایرانی                       |
| ۴  | ۲. خلیج فارس و اهمیت اقتصادی و سیاسی آن        |
| ۸  | ۳. اعزام محصل به اروپا                         |
| ۱۵ | ۴. چند عدد هولناک                              |
| ۱۶ | ۵. چرا در ایران قحط الرجال است                 |
| ۲۳ | ۶. از فرزندان شاه در اروپا چطور سرپرستی می‌شود |
| ۲۶ | ۷. نه جنون دروغ یا شهوت شهرت و پول             |
| ۲۹ | ۸. عقیده دو نفر اروپایی راجع به آسیا           |
| ۳۲ | ۹. حرف است و حرف است و حرف                     |
| ۳۷ | ۱۰. نمونه و سرمشق یک زن متجدد الزا برنشدترم    |
| ۴۱ | ۱۱. حس انتظام آزادی                            |
| ۴۴ | ۱۲. دنیا                                       |
| ۴۵ | ۱۳. شخصیت و هیئت اجتماعی                       |
| ۴۷ | ۱۴. آیا سعادت عبارت از آسایش است؟              |
| ۵۰ | ۱۵. وظیفه هر پدر و مادر                        |
| ۵۳ | ۱۶. کشف جدید!                                  |
| ۵۴ | ۱۷. اجاق خانواده                               |
| ۵۷ | ۱۸. پهلوانان در اطراف میز عمل                  |
| ۵۹ | ۱۹. نوروز                                      |
| ۶۰ | ۲۰. لزوم تشخیص کمال مطلوب                      |
| ۶۳ | ۲۱. افکار تولستوی از لحاظ علم تعلیم و تربیت    |

## دوران دوم: از اسفند ۱۳۲۲ الی دی ۱۳۲۶

- ۸۱ ۱. به مناسبت محاکمه مختار و شرکاء
- ۸۸ ۲. جبهه امتحانات
- ۹۴ ۳. غلط‌های فاحش علمی و هرج و مرج فکری در کتب فرهنگی
- ۱۰۵ ۴. حل اختلافات و یا تأخیر انداختن آن؟
- ۱۰۸ ۵. پیر در گذشته و جوان در آینده
- ۱۱۱ ۶. دور غلط و انتظار مردم
- ۱۱۳ ۷. از مشاهدات زندان قصر
- ۱۱۵ ۸. چگونه می‌توان عضو سودمند اجتماع بود؟
- ۱۱۷ ۹. جبهه بزرگ ملی؟ یا دسته کوچک خودمانی
- ۱۲۲ ۱۰. یک‌صد سال برای ما زود است
- ۱۲۳ ۱۱. سیاست خارجی در ایران
- ۱۲۹ ۱۲. نظری به گذشته و حال و آینده جهان
- ۱۳۳ ۱۳. نظری به گذشته، حال و آینده ایران
- ۱۳۸ ۱۴. انتقاد خود و دفاع
- ۱۴۲ ۱۵. تحول در افکار از دیکتاتوری تا دموکراسی
- ۱۴۸ ۱۶. مستشاران بیگانه و دستگاه فاسد دولتی
- ۱۵۱ ۱۷. توارث با تکامل تضاد دارد
- ۱۵۴ ۱۸. برعلیه هر نوع استعمار کشور ایران
- ۱۵۸ ۱۹. ایران و جهان پس از جنگ
- ۱۶۱ ۲۰. تعلیمات عمومی بهترین ضامن استقلال کشور
- ۱۶۵ ۲۱. پیدایش و زوال قانون تعلیمات اجباری
- ۱۷۰ ۲۲. پیام ما به جوانان: حق و وظیفه و مسئولیت تاریخی جوانان
- ۱۷۶ ۲۳. دورنمای مجلس در نظر فرد عامی
- ۱۸۱ ۲۴. به نام آینده ملت و نسل جوان
- ۱۸۵ ۲۵. تحول اجتماعی
- ۱۹۹ ۲۶. سابقه دارد!
- ۲۰۱ ۲۷. نیروی کار
- ۲۰۳ ۲۸. سر خروس، در قلمرو حزب میهن
- ۲۰۵ ۲۹. نطق خلیل ملکی در نخستین کنگره
- ۲۰۸ ۳۰. حزب زنده
- ۲۱۱ ۳۱. مکتب اجتماعی حزب توده
- ۲۱۴ ۳۲. شترمآب یا آدم خوب
- ۲۱۷ ۳۳. مستشاران ایرانی برای آمریکا و یا بالعکس
- ۲۲۰ ۳۴. خواص و عوام یا روشنفکر و رنجبر

۲۲۳. ۳۵. حقوق اجتماعی زنان در اولین کنگره حزب توده ایران
۲۲۶. ۳۶. آزمایشگاه علوم اجتماعی
۲۳۰. ۳۷. سازش کار و مبارزه جو
۲۳۳. ۳۸. آیین دیرین و آیین نامه نوین وزارت فرهنگ
۲۳۷. ۳۹. شخصیت در احزاب و مبارزه با آثار فاشیسم
۲۴۰. ۴۰. آیین نامه دبستان های کشاورزی مربوط به تعلیمات عمومی یا سند بر دگی دهقانان ایران
۲۴۴. ۴۱. عقیده مردم عامی درباره مبارزات سیاسی و جبهه ائتلاف ملی
۲۴۷. ۴۲. استقلال مؤسسات فرهنگی و هنر سرای عالی
۲۴۸. ۴۳. دیروز یا امروز
۲۵۰. ۴۴. محکمه حسین قلی خانی نمونه قضاوت دوره رضاخانی
۲۵۴. ۴۵. دو مملکت، امکان های نامحدود ایران و آمریکا
۲۵۶. ۴۶. ماسک ها برداشته می شود
۲۵۸. ۴۷. آزادیخواهان خیال پرست از قرن هیجدهم تا قرن بیستم
۲۶۳. ۴۸. پس و پیش کردن عقربه های ساعت در سیر تحولات تاریخی تغییری ایجاد نمی نماید
۲۷۰. ۴۹. لله آقا و ننه زینب
۲۷۳. ۵۰. عالم نو، آدم نو
۲۷۶. ۵۱. حمال
۲۷۹. ۵۲. تمایلات ملی در ایران
۲۸۲. ۵۳. از خانه مجازی تا خانه حقیقی ملت در مقابل مارشال شهرپور
۲۸۵. ۵۴. حریم امنیت
۲۸۸. ۵۵. به سخنورانی که روی سخن شان با صاحب دلان و خواص متفکرین است نه با عوام
۲۹۰. ۵۶. سرباز سرخ
۲۹۳. ۵۷. فاشیسم آسیایی
۲۹۷. ۵۸. به صاحب دلان
۲۹۸. ۵۹. نفت و ماشین و تأثیر انقلابی آن ها
۳۰۱. ۶۰. مردان مرموزی که به دنیا حکومت می کنند
۳۰۴. ۶۱. دول ضعیف و سیاست جهانی شوروی
۳۰۶. ۶۲. از فنلاند تا دریای سیاه از آتلانتیک تا مدیترانه
۳۰۹. ۶۳. سر و ته یک کرباس
۳۱۸. ۶۴. روش تاریخی و روش متافیزیک در تحقیقات علمی و اجتماعی
۳۲۳. ۶۵. اوستراسیسم
۳۲۷. ۶۶. دموکراسی افسانه قرن بیستم
۳۲۹. ۶۷. بی طرف!
۳۳۱. ۶۸. وحدت در کثرت یا وحدت ملی بدون ملت!
۳۳۴. ۶۹. تاجر خوب
۳۳۷. ۷۰. آزادی!

۳۴۰. ۷۱. مصاحبه با مرد عامی درباره وقایع جاری
۳۴۳. ۷۲. چگونه ملل سوسیالیستی شوروی استعماری نیستند
۳۴۷. ۷۳. کتاب سیاست خارجی بریتانیا
۳۵۰. ۷۴. نیروی اجتماعی مومنین به ضرورت تاریخی
۳۵۴. ۷۵. پایداری در وزارت فرهنگ شرط لازم برای اصلاحات است ولی کافی نیست
۳۵۷. ۷۶. دولت برای مردم یا مردم برای دولت است
۳۵۹. ۷۷. شکست‌ناپذیر
۳۶۳. ۷۸. عقاید لله‌آقا
۳۶۶. ۷۹. نقش شخصیت در تاریخ
۳۷۵. ۸۰. خوب رقصیدن چرا؟
۳۷۸. ۸۱. نقش شاه سابق در تاریخ معاصر ایران
۳۸۷. ۸۲. کارگر ماشین را یا ماشین کارگر را به کار می‌برد؟
۳۹۱. ۸۳. منشور آتلانتیک و استقلال دول کوچک
۳۹۴. ۸۴. روح زمان یا واقعیت قرن بیستم
۳۹۷. ۸۵. نسیم شمال و جنوب، اصفهان تمام جهان
۴۰۰. ۸۶. مرد عامی درباره مسائل روز حرف می‌زند
۴۰۲. ۸۷. آزادی و سیاست در دانشگاه برلین دموکرات
۴۰۶. ۸۸. سر پیروزی ارتش سرخ
۴۰۹. ۸۹. دزدگاه - فریبگاه
۴۱۲. ۹۰. اشک و خون، قهر و آشتی، درس سیاست
۴۱۴. ۹۱. ماسمالیسم
۴۱۸. ۹۲. این است دادستان
۴۲۱. ۹۳. سوء تفاهم یا سوء نیت
۴۲۵. ۹۴. پیام به روشنفکران
۴۳۰. ۹۵. وسیله ناجوانمردانه در مبارزات اجتماعی
۴۳۳. ۹۶. مبارزات اجتماعی در نظر خیال‌پرستان و واقع‌بینان
۴۳۶. ۹۷. زنده‌باد ایران منافاتی با زنده‌باد چرچیل و یا زنده‌باد استالین ندارد
۴۳۸. ۹۸. بسیج همگانی نیروی آزادی یا تمرکز نیروی ملی
۴۴۱. ۹۹. دور الکی
۴۴۴. ۱. سازش یا ائتلاف؟ و اختلاف این دو اصل با هم
۴۴۷. ۱۰۰. مختصات جغرافیایی! کشور
۴۵۰. ۱۰۱. نمایندگان ایران و هندوستان در سان فرانسیسکو
۴۵۲. ۱۰۲. کاسه گرم‌تر از آتش
۴۵۶. ۱۰۳. خاموشی صحرا
۴۶۰. ۱۰۴. این مجلس نماینده حقیقی ملت نیست
۴۶۳. ۱۰۵. سرباز گمنام و نامی آزادی

۴۶۵. ۱۰۶. بینوایانی که «در هفت آسمان یک ستاره ندارند»
۴۶۸. ۱۰۷. ماجرای امروز و فتنه دشتی
۴۷۱. ۱۰۸. خلاصه سخنرانی آقای خلیل ملکی در سالن دبیرستان فردوسی تبریز
۴۷۱. ۱۰۹. درباره وحدت ملی
۴۷۸. ۱۱۰. پیام ما به جوانان آزادیخواه و روشنفکر آذربایجان
۴۸۰. ۱۱۱. نهضت توده در آذربایجان
۴۸۶. ۱۱۲. دروغ‌گویی که حافظه ندارد
۴۸۸. ۱۱۳. خونهای شهدای آزادی عبارت از قانون اساسی مشروطه ایران
۴۹۰. ۱۱۴. اقدام و عمل اول، از همه و شروع آفرینش بوده است
۴۹۳. ۱۱۵. آنچه که مستر چرچیل نمی‌فهمید!
۴۹۶. ۱۱۶. آذربایجان در پیشگاه تاریخ ایران
۴۹۹. ۱۱۷. به یاد آخرین اشک و خون آذربایجان
۵۰۱. ۱۱۸. لزوم و شرایط همکاری اجتماعی مابین دانشوران و زحمتکشان
۵۰۵. ۱۱۹. ایران نو و آزاد از حالت تحول و تخمیر کنونی زایل شده خواهد شد
۵۰۸. ۱۲۰. تمامیت خاک ایران و حاکمیت ملی
۵۰۹. ۱۲۱. پیام خلیل ملکی از لندن
۵۱۰. ۱۲۲. مصاحبه خلیل ملکی با مستر بوین
۵۱۳. ۱۲۳. مکتب سیاسی و ادبی سیاستمداران ایرانی مقیم لندن
۵۲۴. ۱۲۴. دوستان بریتانیا و دوستان بریتانیایی ما
۵۲۹. ۱۲۵. چند کلمه با سر ریدر بولارد سفیر کبیر محترم بریتانیا
۵۳۴. ۱۲۶. فرانسه برادر ارشد ما
۵۳۷. ۱۲۷. مداخله در مداخله مساوی است با عدم مداخله
۵۴۰. ۱۲۸. اتحادیه جهانی جوانان دموکرات در لندن
۵۴۲. ۱۲۹. «جوانان با ما و آینده مال ماست»
۵۴۵. ۱۳۰. مقامات صلاحیت‌دار!
۵۴۸. ۱۳۱. مقدس‌ترین حق کارگران، دهقانان، مادران و خواهران ما
۵۵۱. ۱۳۲. متجاسر!
۵۵۳. ۱۳۳. در قدم اول چه باید کرد؟
۵۵۶. ۱۳۴. زندگی به مراد رفقای خصوصی یا مطابق افکار عمومی آزادیخواهان؟
۵۵۹. ۱۳۵. آزادی و دموکراسی در بریتانیا و شوروی
۵۷۲. ۱۳۶. التقاطیون سیاسی یا خاکشیرمزاجان سیاست
۵۷۵. ۱۳۷. دو نیرو یکی در حال پوسیدگی و انحلال دیگری در نمو و تکامل
۵۷۸. ۱۳۸. آموزش و پرورش در انگلستان از جنبه اجتماعی آن
۵۸۳. ۱۳۹. ایران نو، مردان نو
۵۸۷. ۱۴۰. عقیده مرد عامی درباره پاسخ پنج وزیر
۵۹۰. ۱۴۱. برای آینده ایران

۵۹۳. ۱۴۲. مبارزه سوسیالیسم و کمونیسم (۹)
۵۹۹. ۱۴۳. روشنفکران خیال‌پرست قرن هیجده فرانسه و خیال‌پرستان قرن بیستم ایران
۶۰۱. ۱۴۴. عریضه سرگشاده به کوه دماوند
۶۰۴. ۱۴۵. مصاحبه دو نماینده پارلمان انگلستان با مسئولین حزب توده
۶۰۶. ۱۴۶. خیال‌پرستی و واقع‌بینی در مسائل اجتماعی
۶۰۹. ۱۴۷. مسئولیت تاریخی آقای نخست‌وزیر
۶۱۲. ۱۴۸. در دانشکده حقوق
۶۱۳. ۱۴۹. سوسیالیسم یوتی‌لیتی یعنی سوسیالیسم کاذبی که به‌عنوان کالای رفع ضرورت
۶۱۷. ۱۵۰. تعلیمات عمومی یعنی تحکیم پایه و اساس ملیت ما
۶۱۹. ۱۵۱. سرمشق آذربایجان
۶۲۲. ۱۵۲. آزادخواهان مبارز
۶۲۵. ۱۵۳. درس اول ماه مه - وجود دو نیرو: یکی در حال انحطاط دیگری در تکامل
۶۲۸. ۱۵۴. ملت ایران و طبقات اجتماعی
۶۳۲. ۱۵۵. حل مسأله آذربایجان علاوه بر حسن نیت، حسن عمل لازم دارد
۶۳۵. ۱۵۶. قهرمانان توازن منفی چگونه توازن ایجاد می‌کنند؟
۶۳۹. ۱۵۷. نخست‌وزیر در سر دوراهی و در پیشگاه تاریخ
۶۴۲. ۱۵۸. آموزش و پرورش در اتحاد جماهیر شوروی
۶۶۱. ۱۵۹. شب‌های شیراز و فرزندان گمگشته ایران
۶۶۴. ۱۶۰. شعار وحدت ملی یعنی مبارزه با هرگونه استعمار کشور ایران
۶۷۰. ۱۶۱. لوح ساده ارسطو و آنچه در امتحانات نهایی بر آن نقش می‌بندد
۶۷۳. ۱۶۲. درسی که آقای سادچیکوف به سیاستمداران می‌دهد
۶۷۶. ۱۶۳. نماینده پارلمان انگلستان درباره مسائل مربوط به ایران چه حقایقی را
۶۸۵. ۱۶۴. تربیت نسل جوان با روح دموکراتیک
۶۸۸. ۱۶۵. مملکت سواره‌روها
۶۹۱. ۱۶۶. آقای وزیر فرهنگ از آن طرف راه نیست
۶۹۴. ۱۶۷. در جواب مقاله جناب آقای بهار، چند کلمه با خود آقای بهار
۶۹۷. ۱۶۸. پنج دقیقه پس از دوازده
۷۰۰. ۱۶۹. نطق‌های حساس روستا، العریس، شمیمه و خلیل ملکی
۷۰۱. ۱۷۰. نویسنده‌ای که به‌تنهایی نقش ملاتصرالدین و زنش را بازی می‌نماید
۷۰۳. ۱۷۱. از گفتار تا کردار
۷۰۶. ۱۷۲. اقدام اصلاحی مثبت در وزارت فرهنگ، اصلاح روش امتحانات
۷۰۸. ۱۷۳. فرهنگ ضامن استقلال ما است
۷۱۲. ۱۷۴. با مراجعه به ملت ایران هدف آموزش و پرورش سؤال خواهد شد
۷۱۵. ۱۷۵. نقش فرهنگیان در حزب توده ایران و نقش تاریخی حزب توده در فرهنگ ایران
۷۲۰. ۱۷۶. «دو صد گفته» و نیم «کردار»

## یادداشت ناشر

اگرچه اصولاً در کاربرد جملات قصار و دیگر فرمایشات مشابه، احتیاط و تأمل شرط عقل است، در سخن گفتن از خلیل ملکی و تجربه زندگی او به سختی می‌توان از این کلام نیچه، حکیم و فرزانه آلمانی، چشم پوشید که گفت هر آنچه مرا نمی‌کُشد، قوی‌ترم می‌سازد.

خلیل ملکی در بیش از یک ربع قرن تلاش و تکاپوی سیاسی و فرهنگی، آن هم در یکی از پرحادثه‌ترین ادوار تاریخ معاصر ایران در فاصله فروپاشی استبداد رضاشاهی در شهریور ۱۳۲۰ تا اعاده قدرت مطلقه پهلوی در سال‌های پایانی دهه ۱۳۴۰، به دلیل استقلال فکری و مشی سیاسی خاصی که اتخاذ کرد، ضربه‌های سنگینی متحمل شد؛ ضربه‌هایی که هریک برای از پا درآوردن گروهی منسجم کافی بود تا چه رسد به یک فرد غالباً تنها: درافتادن با تشکیلات حزب توده در سال‌های میانی دهه ۱۳۲۰ یعنی در دوره اوج اقتدار حزب مزبور و تحمل عواقب آن که هنوز هم — هرچند به نحوی کمرنگ و بی‌رُمق — دامنگیر اوست؛ ناسازگاری با مشی حاکم بر نهضت ملی شدن صنعت نفت و نیروهای برجای مانده از آن، بویژه در مراحل بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به‌رغم پشتیبانی بی‌دریغ از جهت کلی آن؛ و درکنار آن رویارویی با حرکت رقیب یعنی سیاست‌های هیئت حاکمه ایران در آن سال‌ها... نه فقط خلیل ملکی را از پای در نیاورد که به نظر می‌رسد قوی‌تر از پیش هم ساخته است. طرح مجدد آرا و عقاید او، چه به صورت تدوین این مجموعه مقالات یا تجدید چاپ پاره‌ای از دیگر آثار او و همچنین انتشار مجموعه‌هایی چند در ارتباط با وی در این ایام خود گواهی است بر این مدعا.<sup>۱</sup>

خلیل ملکی فقط جان به در نبرد؛ حضور اجتماعی و سیاسی مستمری نیز داشت. البته اگر صرف حضور یا به عبارت دقیق‌تر وجود، ملاک قرار گیرد، تعداد رجال سیاسی و فرهنگی هم‌تای او در این دوره بیست و چند ساله به هیچ وجه کم و اندک نیست. ولی اگر این وجود و حضور صرف را به قید یک تلاش و تکاپوی مستمر و درگیری مدام با مسائل سیاسی و

---

۱. برای مثال می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد: خلیل ملکی به روایت اسناد ساواک (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹)؛ نامه‌های خلیل ملکی به کوشش امیر پیشداد و محمدعلی همایون کاتوزیان (نشر مرکز، ۱۳۸۱) و یا کتاب برخورد عقاید و آرا (نشر مرکز، ۱۳۷۴) او.

اجتماعی کشور محدود و منحصر سازیم، آنگاه خلیل ملکی - در قیاس با آن طیف موجود و حاضر - به پدیده‌ای کم‌نظیر و استثنایی تبدیل می‌شود.

برای او به‌رغم تمامی فراز و نشیب‌ها، چه در ایام موفقیت و پیروزی و چه در روزهای شکست و ناکامی، هر برگ از تحولات اجتماعی، برگی جدید محسوب می‌شد مستلزم دقت و توجه عنصر آگاه جامعه و اتخاذ عملی متناسب با آن از سوی عنصر مزبور؛ تحولات اجتماعی و سیاسی کشور را در هر وضعیت هم که بود، تعطیل بردار نمی‌دانست و به همین دلیل نه فقط برخلاف بسیاری از هم‌تایان جنت مکان خود از ابراز رأی و نظر در باب آن‌ها ابا نداشت که اتخاذ راهکاری عملی در قبال آن‌ها را نیز لازم می‌دانست. مقالات و نوشته‌های گردآمده در این مجموعه خود مبین این امر است.

ارائه تصویری از کل ادوار فکری و سیاسی خلیل ملکی و نه فقط مقاطعی خاص از آن‌ها، یکی از موادی است که در تدوین این مجموعه مورد نظر بوده است. از آنجایی که یادآوری آرا و عقاید خلیل ملکی بیشتر در گرو همت یاران و همراهان سیاسی او بوده و آن‌ها نیز در این مهم معمولاً ماحصل مواضع سیاسی او را در نظر داشته‌اند، تصویری که معمولاً از او ارائه شده، تصویر کاملی نیست؛ برای مثال از کم و کیف آرای خلیل ملکی در دوران فعالیت او در حزب توده ایران سخن چندان در میان نیست و اگر هم هست بیشتر بر شکل‌گیری زمینه‌های مخالفت او با سیاست‌های حزب در مراحل پایانی کار تأکید دارد و نه همراهی‌های گسترده او با خط مشی حزب توده در یک دوره طولانی از همکاری در فاصله سال‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۶ شمسی. در همین قیاس در اشاره به دوران همکاری خلیل ملکی با نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز با توجه به پاره‌ای ملاحظات سیاسی بعدی بیشتر از همراهی بی‌کم‌وکاست او از نهضت صحبت می‌شود و نه انتقادات صریح وی از سیاست‌های فاجعه‌آمیزی که رهبری نهضت ملی در پیش گرفته بود. در تدوین این مجموعه - همان‌گونه که اشاره شد - بر رفع کاستی‌هایی از این دست و لهذا ارائه تصویری جامع و فراگیر از خلیل ملکی نیز تأکید بود.

## مقدمه

خلیل ملکی در مقام شخصیتی روشنفکر و سیاستمدار بیش از چهل سال در عرصه‌های فرهنگی و سیاسی ایران حضوری مستمر داشته و لهذا مجموعه آراء و نظریات او به لحاظ نوع تبیین رویکردش به تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور از اهمیت تاریخی فراوانی برخوردار است. در فراهم آوردن مجموعه مقالات منتشرشده ملکی چهل سال فعالیت مطبوعاتی او را به پنج دوره تقسیم کرده‌ایم. این تقسیم‌بندی بر اساس شرایط جاری سیاسی کشور و تغییر فعالیت‌های سیاسی‌اش صورت گرفته است.<sup>۱</sup>

مقالات دوره اول از اواسط پادشاهی رضاشاه و در روزنامه شفق سرخ و عراق منتشر شده است. این دوره از زندگانی خلیل ملکی با چند رخداد مهم توأم شد مانند اعزام به فرنگ به همراه اولین کاروان دانشجویی و ناکامی در تکمیل تحصیلات پس از دو سال به دلیل بروز اختلاف با سرپرست محصلین در آلمان درباره خودکشی یکی از دانشجویان ایرانی به نام حسین قلی عطایی که به قطع هزینه تحصیلی او منجر شد. سپس ادامه تحصیل با هزینه شخصی در آلمان تا سال ۱۳۱۲ و بالاخره عدم توفیق به اتمام تحصیل و بازگشت به ایران.

خلیل ملکی در سال ۱۳۱۲ بعد از ورود به ایران در روزنامه‌ای به نام عراق چاپ اراک مقالاتی را منتشر کرد که به دلیل مخالفت رئیس شهربانی محل با آراء ابراز شده در آن نشریه، این فعالیت مطبوعاتی ادامه نیافت و برای ادامه تحصیل به تهران بازگشت.<sup>۲</sup> او در رشته علوم تربیتی در دانشسرای عالی تهران به تحصیل پرداخت و در ۱۵ بهمن ۱۳۱۵ فارغ‌التحصیل به دلیل احراز مقام ممتاز به دریافت مدال درجه اول نائل شد.<sup>۳</sup> در پی این تحولات بود که به دلیل همکاری با گروه

۱. البته این به معنی این نیست که او فعالیت سیاسی قبل از دوران دانشجویی نداشته است به عنوان مثال در سال ۱۳۰۳ تلگرافی به امضاء او و چند تن دیگر از اراک خطاب به سردار سپه ارسال شد که در آن از سردار سپه به دلیل تلاش برای گسترش امنیت در ولایات و سرکوب قدرت‌های محلی تشکر و قدردانی شده بود. رجوع شود به: روزنامه کوشش، سال دوم، شماره ۶۲، چهارشنبه ۲۵ سرطان ۱۳۰۳.

۲. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به رضا آذری شهرضایی، «در آغاز راه: نخستین تجارب خلیل ملکی»، فصلنامه گفتگو، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۴۹.

۳. روزنامه کوشش، شماره ۳۱، سال پانزدهم، سه شنبه، ۲۰ بهمن ۱۳۱۵، ص ۲.

روشنفکری - سیاسی دکتر تقی ارانی در اردیبهشت ۱۳۱۶ به همراه ۵۲ نفر دیگر از اعضای آن گروه دستگیر و به چهار سال زندان محکوم شد.<sup>۱</sup> بعد از پایان محکومیت در سال ۱۳۲۰ به دامغان تبعید شد ولی به دلیل پیشامد واقعه شهریور ۱۳۲۰ و سقوط نظام رضاشاهی به تهران بازگشت.

دوره دوم فعالیتهای مطبوعاتی خلیل ملکی تقریباً از زمستان ۱۳۲۲ شروع شده تا زمستان ۱۳۲۶ ادامه می‌یابد. اندک زمانی بعد از شهریور ۱۳۲۰ گروهی از فعالین سیاسی چپ از جمله تعدادی از اعضای گروه موسوم به «۵۳ نفر» با حمایت اتحاد جماهیر شوروی حزب توده ایران را تشکیل دادند. خلیل ملکی به علت اینکه به عملکرد و آراء پاره‌ای از هم‌زندانهای سابق خود نظر مساعدی نداشت در آغاز از همکاری با حزب توده امتناع ورزید ولی در نهایت بنا به درخواست گروهی از اعضای حزب و به منظور اصلاح حزب، حاضر به همکاری شد و در روزنامه‌های رهبر و مردم به نوشتن پرداخت.

در طول چهارساله‌ای که در فاصله ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۶ خلیل ملکی با حزب توده همکاری کرد، تحولات بحث‌انگیز فراوانی رخ داد از جمله مأموریت کافتارادزه به ایران برای اخذ امتیاز نفت شمال در سال ۱۳۲۳ و ماجرای تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان که در پی مخالفت ایران با اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی برپا گردید؛ مجموعه تحولاتی که در نهایت ملکی را بر آن داشت که با تبعیت کامل حزب توده از سیاست‌های شوروی مخالفت کند و در پی دوره‌ای از رویارویی‌های سیاسی با رهبری حزب مجبور به انشعاب گردد. اقدام وی در صدور بیانیه انشعاب در دی ماه ۱۳۲۶ به همراه تعدادی از دیگر اعضای حزب و تشکیل جمعیت سوسیالیست توده ایران با حملات شدید حزب توده و سیل تهمت‌ها و افتراهایی از جانب حزب به انشعابیون توأم شد. اگرچه در آغاز انشعابیون در قبال این حملات سکوت اختیار کردند و ملکی با انتشار جزوه‌ای به نام «دوروش برای یک هدف» سعی کرد به نحوی ملایم و «درون حزبی» به رهبری حزب توده تفهیم کند که برای مبارزه در راه اصلاحات اجتماعی و دمکراسی بیشتر باید بر نقش ملت تأکید کرد تا «ستاد زحمتکشان جهان» و یا به عبارت دیگر اتحاد شوروی؛ ولی حملات سرسختانه رسانه‌های حزب توده و رادیو مسکو این واقعه را به گسستی اساسی تبدیل کرد.<sup>۲</sup> انشعاب گروه خلیل ملکی در مقام یکی از نخستین نمونه‌های رویارویی درون حزبی با استالینسم در جهان کمونیست از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بهمن ۱۳۲۷ تا مهر ۱۳۳۱ را می‌توان به عنوان دوره سوم فعالیت‌های خلیل ملکی قلمداد

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: حسین فرزانه، پرونده پنجاه و سه نفر، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۲، ص ۵۴۸.

۲. رادیو مسکو علیه ملکی وارد عمل شده و اعلام داشت: «انگلیس‌ها می‌خواهند نهضت دمکراسی ایران را از هم بپاشند، خلیل ملکی با انگلیسی‌ها مربوط است و با رضایت و اطلاع آنها اقدام کرده است...» رجوع شود به: نامه مردم، گفتار رادیو مسکو، شماره ۲۵۳، دوشنبه ۲۸ دی ۱۳۲۶.

کرد، دوره‌ای که عمدتاً با انتشار مقالات او در عرصه نقد فرهنگی در نشریه مهرگان ارگان جامعه لیسانسیه‌های دانشسرایعالی، آغاز شد ولی به تدریج از آبان ۱۳۲۹ و با اوج‌گیری نهضت ملی شدن صنعت نفت ابعاد وسیع‌تری گرفت. در این مقطع بود که ملکی بنا به درخواست جلال آل‌احمد با روزنامه شاهد وارد همکاری شد و در ردیف نخستین کسانی بود که لزوم ملی کردن صنعت نفت را مطرح و موضوع بحث قرار داد.<sup>۱</sup>

با توسعه ابعاد نهضت ملی شدن صنعت نفت حزب توده حملات گسترده و فزاینده‌ای را علیه آن آغاز کرد؛ در حالی که موج هتاک، افترا و تهمت بر علیه نهضت ملی شدن نفت در مطبوعات و تبلیغات حزب توده به اعلاء درجه رسیده بود، خلیل ملکی با نقد سیاسی و ایدئولوژیک حزب توده در روزنامه شاهد بخصوص در سلسله مقالات «برخورد عقاید و آراء»<sup>۲</sup> عملکرد حزب را به عنوان سردمدار ترقی و دموکراسی مورد نقد و بررسی قرار داد و در این عرصه مباحث و مضامینی را مطرح کرد که آن را می‌توان در ردیف اولین نقدهای اساسی استالینسم در ایران محسوب داشت.

در بهار ۱۳۳۰ خلیل ملکی به منظور پشتیبانی از نهضت ملی با یکی از رهبران جبهه ملی یعنی دکتر مظفر بقایی، حزب زحمتکشان را تشکیل داد. این همکاری و همراهی تا پاییز ۱۳۳۱ تداوم یافت. از حوادث سی تیر ۱۳۳۱ به بعد در حالی که دکتر بقایی به سلب حمایت و همکاری با دکتر مصدق روی آورد، ملکی با اعتقاد به آن که باید در هر شرایط به حمایت از دکتر مصدق پرداخت از حزب زحمتکشان جدا شد و ملکی و هوادارانش با افزودن پسوند «نیروی سوم» به عنوان حزب زحمتکشان، با تأکید بر تمایز گروه مزبور از حزب زحمتکشان بقایی به فعالیت‌های خود ادامه دادند. اگرچه در این مرحله نیز پاره‌ای از منتقدین خلیل ملکی وی را عامل اساسی در این جدایی و انشعاب دانستند ولی واقعیت امر به گونه‌ای دیگر بود؛ راهی که بقایی پیمود و راهی که ملکی در پیش گرفت، هر دو مشخص و معلوم بودند: اساس همکاری بقایی و ملکی در تشکیل حزب زحمتکشان حمایت از نهضت ملی و دکتر مصدق بود و این بقایی بود که تغییر موضع داد. به همین دلیل این انتقاد مخالفین چه توده‌ای‌ها و چه طرفداران دکتر بقایی و بعضی از رقبای سیاسی او در جبهه ملی که تمایل ملکی به انشعاب را نشانی از «روحیه شورشگری» او تعبیر کردند انتقاد منصفانه‌ای به نظر نمی‌آید.<sup>۳</sup>

۱. شاهد، شماره ۲۴۱، ۲۴۳، دوشنبه و چهارشنبه ۲۲ و ۲۴ آبان ۱۳۲۹، مقاله «ملی کردن صنعت نفت»

۲. به مقاله شماره ۴۶ جلد اول رجوع شود.

۳. برای آگاهی از آرای توده‌ای‌ها در این زمینه، برای مثال بنگرید به احسان طبری، از دیدار خویش، به کوشش ف. شیوا، سوند: نشر باران، ۱۹۹۷، ص ۹۷ و رضا آذری شهرضایی «از اصلاح تا انشعاب» فصلنامه گفتگو، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۷۸، ص ۸۷ برای نمونه‌ای از آرای مخالفین او در جبهه ملی بنگرید به خاطرات شاپور بختیار (به کوشش حبیب لاجوردی) تهران: زیبا، ۱۳۸۰، ص ۷۵. نکته قابل تأمل آن است که حتی در محاکمه ملکی در سال ۱۳۴۴ نیز در کیفرخواست دادستان علیه ملکی به این نکته توجه شد و از آن به نام جاه‌طلبی نام

مجموعه فعالیت‌های خلیل ملکی در فاصله مهر ۱۳۳۱ تا مرداد ۱۳۳۲ در چارچوب نیروی سوم را می‌توان دوره چهارم تحرکات وی محسوب داشت. نوشته‌های این دوره علاوه بر نقد مخالفان نهضت ملی شدن صنعت نفت — از جمله دربار و حزب توده — از گروه‌هایی که از جبهه ملی جدا شدند نیز انتقاد کرد. در این دوره به گونه‌ای که از مفاد نوشته‌های او بر می‌آید حمایتش از دولت مصدق نیز نوعی حمایت توأم با انتقاد است. وی در عین نقد عملکرد و سیاست‌های دولت دکتر مصدق از ارائه راه حل نیز ابا ندارد. بدین لحاظ تمایز ملکی و گروهش از دفاع مریدانه از مصدق و یا حملات مطلق به دولت مصدق متمایز است.<sup>۱</sup>

دوره پنجم فعالیت‌های مطبوعاتی خلیل ملکی از شهریور ۱۳۳۲ تا تیر ۱۳۴۶ که هنوز به صورت دقیقی مورد بررسی قرار نگرفته است از لحاظ اشتغال بر نقد گذشته و همچنین طرح افق‌های جدید و دورنمایی نسبت به تحولات سیاسی و اجتماعی آتی ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این دوره ملکی به گونه‌ای که خود نیز متذکر شده<sup>۲</sup> درباره نهضت‌های ملی در هند و دیگر کشورهای آسیایی به مطالعات گسترده‌ای دست زد و سعی کرد نیروهای فعال سیاسی کشور را به تجربیات هندوستان به عنوان یک الگو و لزوم استفاده از این تجربیات متوجه نماید. در همین دوره بود که نقد تجارب پیشین از جمله تجربه نهضت ملی شدن نفت را نیز مورد توجه قرار داد<sup>۳</sup> و در پاسخ کسانی که نقد گذشته‌ها را مصلحت نمی‌دانستند نوشت: «به عقیده بعضی‌ها تحلیل گذشته و انتقاد از خود باعث تضعیف می‌شود، به نظر ما این طرز تفکر ابتدایی است معذک ما مدت‌ها به مناسبت همین مصلحت و همچنین به مناسبت عدم وجود امکانات از تحلیل گذشته خودداری کردیم. حالا بنا به دلایل چند در حدود امکان و همچنین با در نظر گرفتن مصلحت ولی تا حدی که مصالح بزرگتر را زیر پا نگذاریم توجه به گذشته می‌کنیم.»<sup>۴</sup>

به نظر ملکی شکست نهضت ملی قابل اجتناب بود، ولی رهبری ضعیف و نبود یک برنامه اساسی این شکست را غیرقابل اجتناب ساخت. وی در عین حال که به تجزیه و تحلیل علل این شکست و ناکامی پرداخت این نکته را نیز خاطرنشان ساخت که اگرچه یک فرصت تاریخی از دست رفت ولی این به معنای یأس و ناامیدی نبود و می‌بایست برای فرصت‌های آینده به سازماندهی و برنامه‌ریزی پرداخت. ملکی در ادامه نقد گذشته در مقاله‌ای دیگر در اردیبهشت

برده شد.

رجوع شود به: محاکمات سیاسی در ایران، به کوشش بهروز طیرانی، تهران، نشر علم، ۱۳۸۲، ص ۳۱۳ و ۳۱۴؛ همچنین: خاطرات سیاسی خلیل ملکی، با مقدمه دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۸، ص ۲۲۰ الی ۲۲۷.

۱. رجوع شود به گفتگو، شماره ۳۱، بهار ۱۳۸۰، ص ۱۱۱، مقاله «از انشعاب تا کودتا»

۲. جلد ۳، ص ۲۵۹۲. ۳. جلد ۴، مقاله ۴۷، ص ۲۸۳۸ و مقاله ۵۰، ص ۲۸۷۸.

۴. جلد ۴، ص ۲۸۳۹.

۱۳۳۵ برنامه «جامعه سوسیالیست‌های ایران» را پیشنهاد و برای نقد، بررسی عموم ارائه می‌کند که در واقع یک برنامه برای نیروهای سیاسی کشور جهت توسعه سیاسی و اقتصادی در عرصه‌های مختلف محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

با متزلزل شدن اقتدار نظام سیاسی ایران در اواخر دهه ۱۳۳۰ که به تشکیل جبهه ملی دوم و بدنبال آن نخست‌وزیری دکتر امینی منجر شد، برای گروه‌های مخالف فرصتی فراهم شد تا ضمن بازسازی نیروهای خود سر رشته مبارزات پیشین را که در پی کودتای مرداد ۱۳۳۲ مختل شده بود از نو در دست گیرند. عدم اتخاذ تاکتیک مناسب از سوی مخالفین رژیم و در رأس آن جبهه ملی دوم باعث آن شد که این فرصت دیگر نیز از دست برود. ملکی که در سال ۱۳۳۵ احتمال بازگشایی فضای سیاسی کشور را پیش‌بینی نموده بود و برای بهره‌برداری از آن طرح‌هایی را ارائه کرده که تشکیل جامعه سوسیالیست‌ها مهمترین آن بود، در مورد راه کارهای سیاسی موجود با رهبران جبهه ملی دوم که هیچ‌گونه طرح و برنامه مناسبی در آن شرایط نداشتند اختلاف پیدا کرد. اگرچه به نظر می‌رسید که دکتر خنجی و مسعود حجازی دو تن از منشعبین سابق نیروی سوم که اینک به هواداری از رهبری جبهه ملی دوم برخاسته بودند بنا به دلایل شخصی در تشدید این اختلافات نقش مؤثری ایفاء کردند ولی اختلاف دیدگاه‌ها ابعادی به مراتب گسترده‌تر از این صحبت‌ها داشت. ملکی معتقد بود که باید با حمایت از دولت دکتر امینی از امکاناتی که فراهم آمده است برای پیشبرد اصلاحات استفاده نمود. به نظر او «در صورتی که دکتر امینی با این همه وعده‌ها و چند اقدام نمونه که به عمل آورده ساقط شود چه کسی جانشین او خواهد شد؟ در صورتی که نتیجه دموکراسیون‌ها و میتینگ‌ها و مبارزه‌ها سقوط دولت باشد آیا نیروهای مترقی مثلاً جبهه ملی آماده در دست گرفتن حکومت هست؟ تمام شخصیت‌های آشنا به اوضاع و احوال و از جمله رهبران جبهه ملی می‌دانند که نه از لحاظ نظری و برنامه و نه از لحاظ عملی و سازمان به مناسب خفقانی که تا حالا وجود داشته و تا حدودی هم هنوز در جهات مؤثری وجود دارد، نیروهای مترقی نه برای در دست گرفتن قدرت آماده‌اند و نه در یک انتخابات آزاد به علل وضع خاص اجتماعی ما می‌توانند اکثریتی بدست آورند.»<sup>۲</sup>

موضع‌گیری ملکی درباره اصلاحات ارضی با تأکید بر اهمیت اصلاحات ارضی به طور کلی، در عین انتقاد به پاره‌ای از مواد لایحه آن<sup>۳</sup> بر خلاف پاره‌ای از دیگر نیروهای مخالف که به طور کلی اصلاحات ارضی و اصولاً هر حرکت اصلاحی دیگر را از سوی دستگاه تخطئه می‌کردند یکی از نمونه‌های مشخص تفاوت رویکرد او با پاره‌ای از دیگر مخالفین رژیم بود. وی در همین زمینه نوشت: «جبهه واحدی که جناح مرتجع‌تر هیئت حاکمه برای جلوگیری از اقدام خیلی

۱. ج ۴، مقاله ۴۷ و ۵۰، صص ۲۸۳۸ و ۲۸۷۸. ۲. جلد ۴، مقاله ۷۹، ص ۳۲۸۶.

۳. جلد ۴، مقاله شماره ۱۱۲، ص ۳۴۷۶ و شماره ۱۱۳، ص ۳۴۷۷.

ناقص اصلاحات ارضی تشکیل داده است حاکی از این حقیقت است که آنها نیز متوجه‌اند با شکسته شدن این سد جریانی که شروع شده در این لایحه متوقف نخواهد شد و بالاخره این فعالیت منجر به اصلاحات ارضی اصیل خواهد گردید.<sup>۱</sup>

بعد از خرداد ۱۳۴۲ که اساساً فضای سیاسی کشور بسته شد و رویکرد نیروهای سیاسی با یک‌گرایی صریح به سمت رادیکالیسم توأم شد و بخش چشمگیری از نیروهای چپ به نوعی نئواستالینیسم چینی و مشی مسلحانه خشونت بار حاصل از آن روی آوردند، بازهم ملکی با تأکید بر اجتناب از خشونت و ارائه گفتارهای خشونت‌آمیز در مقام نقد این‌گرایش برآمد.<sup>۲</sup> در این مقوله نیز نگاه ملکی به تجربه هند معطوف بود: «نهضت ملی هند در مبارزه خود با انگلستان به کینه و نفرت و تعصب دست نزد و به نتایج خیلی بهتری رسیده تا آنهایی که نهضت‌های ملی را با تعصب و کینه و خون‌رنگین می‌کنند».<sup>۳</sup>

خلیل ملکی همان‌گونه که این مجموعه مقالات و نوشته‌ها نیز گواه آن است از محدود فعالین و شخصیت‌های سیاسی ایران معاصر بود که خصوصياتی چون عمل‌گرایی و اخلاق‌گرایی و واقع‌بینی را توأمأ دارا بود. او در حالی که در همه حال نقدها و اعتراضات صریحی را بر علیه حکومت پهلوی مطرح می‌کرد ولی هیچ‌گاه باب مذاکره را مسدود نمی‌دانست.

مبارزه قاطع او با حزب توده نه از لحاظ مخالفت با سوسیالیسم که بر انتقاد از وجه غیر دموکراتیک جهان‌بینی آن، و رویارویی با استالینیسم و سرسپردگی حاصل از آن بود به همین نسبت او ضمن هواداری از دولت مصدق از طرح صریح‌ترین نقدها در قبال عملکرد او نیز ابا نداشت. از این رو ماحصل تجارب و عملکردهای او را می‌توان مبین طرح مسائل و افق و نگرش‌هایی در عرصه عمل سیاسی در ایران دانست که هنوز هم جای طرح و بحث دارند.

در گردآوری این مجموعه برای اجتناب از افزایش بیشتر حجم کار از تجدید چاپ مقالات ترجمه‌ای خلیل ملکی، چند مقاله در حیطه علم شیمی در دوره رضا شاه و یک مقاله تحت عنوان «دیداری از ارض موعود» منتشره در مجله علم و زندگی مورخ بهمن ماه ۱۳۴۰ خودداری شد.

همچنین خاطرنشان می‌سازد گردآوری و آماده‌سازی این مجموعه به دلیل نقص و محدودیت امکانات تصویربرداری از جراید در کتابخانه‌های کشور با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو شد و در نهایت در مدتی بیش از دو سال بیش از هشتاد درصد این مقالات استنساخ گردید.

اگرچه برای شناسایی تمام مقالات خلیل ملکی تلاش فراوانی صورت گرفته اما ممکن است

۱. جلد ۴، مقاله شماره ۱۰۹، ص ۳۴۴۱.

۲. نامه‌های خلیل ملکی، به کوشش امیر پیشداد و محمدعلی همایون کاتوزیان، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۱، ص ۳۲۸ الی ۳۴۱.

۳. جلد ۴، مقاله ۵۴، دوره پنجم، ص ۲۹۲۲.

تعدادی از این مقاله‌ها از قلم افتاده باشد و یا پاره‌ای از این مقالات از آن خلیل ملکی نباشند. نوشته‌های او در دوران همکاری با حزب توده همگی به امضای او منتشر شده‌اند. پاره‌ای از آثار او در دوره بعد، در جرایدی چون شاهد و نیروی سوم که امضا ندارند نیز براساس سبک و سیاق نگارش آن‌ها و در پرس و جو از تعدادی از همراهان او شناسایی شده‌اند. با این حال همانگونه که اشاره شد، رفع هرگونه خطای احتمالی در این زمینه به راهنمایی‌های دیگر صاحب‌نظران منوط است. در پایان ذکر می‌شود گردآوری این مجموعه به پیشنهاد آقای کاوه بیات صورت گرفت و اگر مساعدت و همراهی او نبود شاید چنین کاری به سرانجام نمی‌رسید. موانع عدیده‌ای از جمله سرمایه لازم باعث گردید این مجموعه آماده به مدت پانزده سال انتشارش مسکوت بماند؛ اما خوشبختانه با مساعدت و حمایت مدیر نشر اختران و دوست عزیز آقای کامران ملک‌مطیعی و آقای ح. م. انتشارش تسریع شد. همچنین لازم به ذکر است تعدادی مقاله توسط مرحوم مرتضی مظفری، امیر پیشداد و اصغر شیرازی ارائه شد که از همکاری آنان سپاسگزارم.

رضا آذری شهرضایی

## دوران اول

اردیبهشت ۱۳۰۹ الی فروردین ۱۳۱۳

## خودکشی یک محصل ایرانی<sup>۱</sup>

از برلن به ما می‌نویسند

آقای حسین قلی خان عطایی پسر آقای حاج میرزا علی اکبرخان تبریزی که یکی از آزادی‌خواهان آذربایجان محسوب می‌شود شش سال قبل به عزم تحصیل به برلن آمده و با بهترین اصول و جدیت که مخصوص لیاقت آن جوان بود مشغول تحصیل می‌شود.

اگر بخوایم مراتب کمال و حسن نیت و جوانمردی عطایی را شرح بدهم یقیناً دارای تفصیل خواهد بود. فقط به طور خلاصه و بدون ملاحظه شخصیت می‌توانم ادعا کنم که عطایی بهترین محصل ایرانی در آلمان بود؛ تقریباً یک سال قبل بنابر چه مقدماتی بنا شد ایشان محصل دولتی شده و به موجب ابلاغ سفارت رشته تحصیلی خویش را عوض کرده و داخل در رشته تحصیل مهندسی گردید. عطایی در ماه آبان ۱۳۰۸ رسماً از طرف بلدیة تهران قبولی عطایی در جزو محصلین دولت، به خودش توسط سفارت ابلاغ گردید. ولی حقوقی تا امروز به او داده نشده (این قسمت را باید تفتیش کرد که علت ندادن یا ننگرفتن حقوق چه بوده و چه اغراض شخصی ما بین عطایی و مأمورین بوده است) بعد از این تاریخ همیشه عطایی با مأمورین سفارت در کشمکش بوده چنانچه چند دفعه عطایی را به نظمیه برلین داده‌اند. تقریباً یک ماه قبل حکم ثانوی از طرف بلدیة تهران صادر گشته و عطایی را به کلی از جزو محصلین دولتی رد می‌نماید. — شاید در نتیجه توصیه و سفارشات سفارت — این قضیه اخیر یعنی رد شدن عطایی از جزو محصلین دولتی بعد از یک سال زحمت و ترک رشته تحصیلات سابق به کلی عطایی را عصبانی کرده بعد از چندین دفعه رجوع به سفارت که هیچ کدام منتج نتیجه نگردید و به مناسبت داشتن طبع غنی و شرافت نفس ابداً در این مدت قضیه را به کسی اظهار نداشته و بی‌پولی خویش را به بهترین رفقای خود نگفته است؛ چنانچه از قراین معلوم می‌شود تا آخرین دینار وجهی که داشته قضیه را تعقیب نموده بعد از آن که اولین روز دست قرض کردن یا به عبارت دیگر گدایی آبرومندانه رسیده است، دیگر تاب مقاومت نیاورده روز شنبه ۱۶ فروردین به سفارت آمده باز هم بعد از اتمام حجت بدون آن

۱. شفق سرخ، شماره ۱۴۷۷، سال نهم، ۷ اردیبهشت ۱۳۰۹.

که از بی‌پولی خویش صحبتی نماید، فقط استدعای نوشتن درخواست دیگری از سفارت به بلدیۀ تهران را نموده و جواب منفی می‌شنود. در اطاق آقای سمیعی با گلوله انتحار می‌نماید. ایرانی‌های برلن که سابقه از بدرفتاری آقای سمیعی داشته و همیشه با عصبانیت به سفارت نگاه می‌کردند، اجتماعاتی نموده و عرایض خویش را تلگرافاً و کتباً به وزارت امور خارجه و وزارت محترم دربار شاهنشاهی معروض داشته‌اند. آقای سمیعی حتی الامکان می‌خواهد قضیه را با بی‌مبالاتی و عصبانیت ایرانیان را با تکبر و غرور مخصوص به خود مسکوت عنه بگذارد. ابداً گوش به حرف‌های سایر اجزای سفارت نیز نمی‌دهد. تجار را به نفهمی و لوطی‌گری و محصلین را به کمونیستی و ضد دولتی متهم می‌کنند. بعد از فوت آقای عطایی کاغذی از جیبش خطاب به پدر خویش درآمده که من عین مسوده آن را ذیلاً معروض می‌دارم:

برلن ۱۶ فروردین ۱۳۰۹

پدر مهربانم

بنده بنا به پیشنهاد و به اعتماد قول آقایان رشته تحصیلات خود را عوض کردم. ولی ایشان نه فقط قول خویش بلکه مقدرات مرا هم بازیچه دست خود قرار داده و به کلی بی‌تکلیف و عصبانیت کردند، هر روز یک حرف تازه زده و نمی‌فهمند که اساس زندگانی و رشته حیات مرا به هم می‌زنند. اقدام اخیرشان مرا به کلی از دنیا سیر کرد. سفارت هم با وجود آن که صحت عرایض مرا تصدیق می‌نماید از اقدام مقتضی خودداری کرده و از گفتن حرف حق می‌ترسد.

از حضرت عالی و برادر عزیزم طلب عفو می‌نمایم.

حسین قلی

مرحوم عطایی بیست و پنج سال داشت. چندین روز روزنامه‌های برلن مشغول شرح قضیه بوده و عکس عطایی را نیز چاپ می‌کردند. روز چهارشنبه ۲۰ [فروردین] ساعت چهار بعد از ظهر در قبرستان ایرانیان در معیت کلیه ایرانیان جسد عطایی دفن گردید. ۲۳ فروردین، امضاء محفوظ

## ۲

### خلیج فارس و اهمیت اقتصادی و سیاسی آن<sup>۱</sup>

مقاله ذیل که در روزنامه برلینر تاگه بلات نمره ۲۸۷ به عنوان مقاله اساسی روز جمعه ۲۰ ژون ۱۹۳۰ به قلم لئوماتیاس *Leomatias* منتشر شده بود از لحاظ تاسی زیاد آن به ایران

۱. شفق سرخ، شماره ۱۵۳۷، سال نهم، پنجشنبه ۱۹ تیر ۱۳۰۹.

ترجمه شده و تقدیم خوانندگان شفق سرخ می‌نماید.

### پولتیک مروارید و قاچاق در سواحل عربستان شرقی

خلیج فارس برای ماها در عالم تصور دورتر از سیبریا به نظر می‌آید که در صورتی که خط آهن بغداد که بزرگترین نقشه شرقی آلمان قبل از جنگ بین‌المللی بود می‌بایستی آلمان را با خلیج فارس مربوط ساخته و در کویت خاتمه پیدا کند.

در سواحل عربستان شرقی معروفترین جزیره مروارید عالم، جزایر بحرین واقع است و یک قدری متمایل به طرف جنوب در مخرج خلیج به اقیانوس هند دو شهر دیگر واقع‌اند که اسم یکی از آنها تقریباً در روی تمام جعبه‌های خرما یافت می‌شود که عبارت از شهر مسقط می‌باشد. انگلیس‌ها بحرین و مسقط و کویت را حکمفرمایی می‌نمایند در نظر انگلیس‌ها خلیج فارس به منزله تصور می‌کنیم که لرد لانس درن - Landsdown<sup>۱</sup> - که خلیج فارس را دهلیز هند نامیده ولی اهمیت خلیج بالاتر از این بوده و وقتی از نقطه نظر قطعه آسیا ملاحظه نماییم خلیج فارس دهلیز تمام شرق نزدیک است.

ایران و عربستان و کلیه قطعه زمین بزرگی که فرات و دجله از وسط آن عبور می‌کند در کنار آبهای خلیج فارس واقع شده‌اند. بصره عبارت از بندر شهر بغداد و تمام راههایی است که از آن عبور می‌کنند. مثلاً راه ترکیه و صحرای سوریه تا سوریه و دریای روم و راه محمره و کارون تا صحرای نفت خیز شرکت نفت انگلیس و ایران قدر و قیمت میلیاردهایی که در تحت اختیار مراکز خلیج فارس است در نظر مالکین حقیقی و مللی که مقدرات تجارتنی و سیاسی آنها با این خلیج مربوط است به همان اندازه نفوذ و تأثیر سیاسی همین ملل در خلیج مجهول است.

یکی از مسلمات باور نکردنی و کارهای افسانه‌آمیز دولت بریتانیا است که بدون تملک یک میل مربع خشکی در این سواحل مالک این خلیج بوده و مطابق میل خود حکمفرمایی می‌کند. مملکت عراق که در شمال واقع است فقط تحت قیمومت انگلیس واقع است. کویت و مسقط و بحرین در تحت حکومت شیخ‌های مختلف مستقل می‌باشد معذک در تحت حمایت و نفوذ بریتانیا است. - ولی از نقطه نظر حقوقی تحت‌الحمايه انگلیس نمی‌باشند -

از طرف ایرانی دولت انگلیس در جزیره هنگام فقط مالک یک میل مربع زمین می‌باشد که برای ذغال‌سنگ معین شده حال مسأله در این جا است که باین حال چطور هیچ امری در خلیج بدون اراده و میل انگلیس واقع نمی‌شود؟ زیرا مسائل و قضایای مربوطه به خلیج مطابق نمونه و مثال ذیل حل می‌شود.

مثلاً مالکیت یک میل مربع زمین در جزیره هنگام کافی است که خلیج را به کلی به روی همه مسدود نماید. این جزیره کوچک مخصوصاً در جایی واقع شده که دو ساحل خلیج کاملاً به هم

نزدیک شده و علاوه بر این به مناسبت این‌که به غیر از چند نفر انگلیسی کسی در آن‌جا سکنی ندارد موقعیت دفاعی‌اش کاملاً مساعد می‌باشد.

ولو این‌که در سواحل ایرانی خلیج در این اواخر نفوذ انگلیس به طور محسوسی کم شده و این مسأله به طور کلی مربوط به حکومت اعلیحضرت رضا شاه است که گاهی بعضی ناملایمات برای انگلیس‌ها فراهم می‌آید. ولی در هرصورت این مسأله به هیچ وجه یک خطر جدی برای نفوذ انگلیس نمی‌باشد. حقوق و قدرت نمایندگان سیاسی و ژنرال کنسول‌های انگلیس که محل اقامتشان در بوشهر می‌باشد در این اواخر کم شده ولی قدرت و نفوذ آنان هنوز هم مثل سابق بزرگترین قدرتی است که در خلیج حکمفرمایی می‌کند.

انگلیس‌ها در این اواخر به سواحل روبرو یعنی به سواحل عرب‌نشین بیشتر از سابق توجه می‌نمایند و علت این توجه اولاً اهمیتی است که سلطان عرب‌بن سعود در این اواخر پیدا نموده و روز بروز به اهمیت خود می‌افزاید - گویا ابن سعود خطری برای کویت می‌باشد - و ثانیاً بیشتر از همه مربوط به ترقی قاچاق است که گویا در این دو سال اخیر بدون نظارت انگلیس به عمل می‌آید.

تمام سواحل عرب‌نشین شرقی با هم دیگر مسابقه می‌کنند که حتی الامکان زیاده‌تر چایی و مخصوصاً قند از خلیج فارس به طور قاچاق به ایران وارد نمایند اعراب می‌گویند که ابتدا اروپایی‌ها این فکر و تجارت پر منفعت را کشف کردند ولی اروپایی‌ها معتقدند که اعراب به کلی دست بالا را گرفته و کار آن‌ها را خراب کرده‌اند.

بلی قایق‌های موتوری که چندی قبل دولت ایران توسط شرکت‌های اروپایی برای جلوگیری از قاچاق سواحل خلیج فارس سفارش داد به فوریت تسلیم شدند، ولی این قایق‌ها و سکان آن در صورت مصادمه با یک باد معتدل اگر اتفاقاً یک قایق باری در آن حوالی پیدا شده و آن‌ها را با طناب به دنباله خود بسته و از شر باد و خطر نجات بدهند، خیلی ممنون باید بود.

تمام شرکت‌های اروپایی که قند به ایران صادر می‌کنند به هیچ وجه حاضر نیستند که بارهای خود را در بوشهر خالی کنند، بلکه ترجیح می‌دهند که کشتی‌ها را مستقیماً به طرف منامه - Manama - که در جزایر بحرین است هدایت نمایند.

یک شهری دیگری موسوم به دبای Debei [دبی] در این حوالی موجود است. شیخ این شهر هنوز مقتدر بود و ورود اروپایی‌ها به قلمرو او ممنوع است. - این منع مربوط به یک معاهده می‌باشد که کمی قبل از جنگ عمومی با انگلیسی‌ها بسته شد - در این اواخر ورود مال‌التجاره‌های قاچاق و پیاده کردن آن‌ها در این شهر خیلی معمول می‌باشد و اغلب دلال و واسطه کار مابین شرکت‌های اروپایی و اعراب یک نفر هندی می‌باشد. البته دولت انگلیس در این مسأله ذی‌نفع می‌باشد که تمام این قاچاق‌ها در تحت نظر و کنترل مخصوصی واقع شود زیرا بیشتر از همه نباید تجارت روس در سواحل شرقی عرب‌نشین رو به ازدیاد برود. گویا در سال

۱۹۲۸ روس‌ها در سیاست جنوبی خود تجدیدنظری کرده و از این سال به بعد در روی این زمینه کار می‌کنند که به نفوذ انگلیس در خلیج فارس لطمه وارد بکنند حتی در این اواخر پیش آمده که روس‌ها مال‌التجاره پنبه انگلیس را که از طرف شرکت‌های انگلیسی برای صدور به ایران گران و غیرمساعد به نظر می‌آید در منچستر خرید و با ضرر ۵۰ درصد از راه سواحل شرقی عربستان به عنوان مال‌التجاره روس به ایران وارد نمودند. روس‌ها این نوع ضررها را به عنوان مخارج پروپاگاندا متحمل می‌شوند. روس‌ها مطابق تئوری اقتصادی خودشان متقاعد شده‌اند که نفوذ سیاسی متعاقب نفوذ اقتصادی است. - ولی در ایران اثر این تئوری ملاحظه نمی‌شود - البته کسی که در سواحل عرب‌نشین خلیج فارس مسافرت نموده ولی به تمام این عوامل کوچک و بزرگ آشنا نباشد ابداً این خیال در مخیله او خطور نخواهد کرد که این سواحل دارای یک اهمیت مهم اقتصادی و سیاسی است. صرف‌نظر از بندر قشنگ مسقط که از یک سلسله کوه‌های نادری احاطه شده در این نواحی به غیر از صحاری لم‌یزرع با چند خانه گلی و چندین درخت خرما چیز دیگری دیده نمی‌شود.

حتی منامه که مرکز استخراج مروارید است - سالیانه سه میلیون لیره انگلیسی مروارید از این جا صادر می‌شود - دارای یک وضعیت کسالت‌آوری می‌باشد. در حقیقت یکی از مسائل باورنکردنی است که این محل خشک و کسالت‌آور وطن مرواریده‌های معروف Roseping است که خانم‌های ظریف شرق و غرب خواب تملک آن‌ها را می‌بینند.

در منامه حتی یک هتل وجود ندارد. آقایان محتشمی که سالیانه از پاریس و لندن در فصل پاییز به بحرین می‌آیند که صید را شخصاً تماشا نمایند، در خانه رفقاییشان که عبارت از معامله‌گران مرواریدند منزل می‌نمایند. این معامله‌گران متمول‌ترین اشخاص خلیج می‌باشند و این‌ها اغلب دارای یک مدنیت و رسوم و آداب هستند که برای همین قبیل متمولین اروپایی و آمریکایی نادر می‌باشد. در نزد این‌ها پوشیدن البسه اروپایی کسر شأن می‌باشد فقط در حین مسافرت و اقامت اروپا در بر می‌نمایند من یکی از این اعراب را در کشتی ملاقات کردم که با آخرین مد لندن ملبس بود و چندین روز هم با هم همبازی بودیم وقتی کشتی در جزایر بحرین ایستاد یک مرد وقور ملبس با لباس راه‌راه کشمیری و عمامه با من شروع به خداحافظی نمود که اگر شروع به حرف زدن انگلیسی نمی‌کرد من همبازی چند روزه خود را نمی‌توانستم به جا بیاورم.

قادرت‌ترین وسیله پروپاگاندا انگلیس در این‌جا عبارت از زبان انگلیسی است برای همه چیز معاهداتی بسته شده پس از اقدام به هر کار جزئی باید مطالعه کرد که حق اقدام هست یا نه. برای هر کاری باید با پیشکار سیاسی بحرین یا کویت یا مسقط سؤال و جواب کرد. در مسقط حتی ادعای اشغال صندلی وزارت مالیه را دارید. گاهی پیش می‌آید که وزیر مالیه مسقط عرب یک نفر انگلیسی است و علاوه بر این انگلیسی‌ها حق دارند همه جا ادارات پست و تلگراف داشته

باشند و تقریباً همه جا رویه هند رواج است. فقط در مسقط و کویت و دبی هنوز هم تالرهای ماریاترزی معمول است. ۱۲۴ تا ۱۴۳ عدد از این‌ها مساوی یک صد دلار آمریکایی است.

### [الحاقیه / شفق سرخ]

این‌که نوشته شده است انگلیس‌ها در [جزیره] هنگام مالک یک میل مربع هستند به کلی اشتباه است، انگلیس‌ها یک وجب زمین در آن‌جا مالک نیستند. نهایت به واسطه حسن موقعیتی که جزیره مزبور دارد آن‌جا را مرکز ذغال‌سنگ خود قرار داده و این ترتیب در اواخر سلطنت قاجاریه که «آب شور دریاها» خیلی در نظر حکومت‌های آن وقت قدر و قیمتی نداشت صورت گرفته؛ ولی البته انگلیس‌ها از همین مسأله استفاده کرده و کم‌کم نفوذ خود را در [جزیره] هنگام زیاد کردند. ولی اخیراً وضعیت آن‌جا طرف توجه دولت شده و با فرستادن ساخلو و مأمورین لایق امیدواری می‌رود به کلی آثار نفوذ اجنبی از این مهم‌ترین جزایر خلیج محو شود. بندر دبی که در مقاله ذکر از آن رفته همان شهری است که در دو شماره قبل خبر پیاده شدن قشون انگلیس و مداخله در امور داخلی آن را نشر دادیم.

## ۳

### اعزام محصل به اروپا<sup>۱</sup>

یکی از امیدواریهای بزرگ و به موقع متفکرین و اولیای امور برای رساندن واماندگان ایرانی از کاروان مدنیت اروپا، اعزام محصل به خارجه است. برای این‌که حقیقتاً این انتظارات به مورد بوده و محصلین ما پس از مراجعت اعضاء نافع برای هیئت اجتماعی بوده و حقیقتاً ما را از حیث متخصصین فنی و غیره از اروپا مستغنی نمایند و یک نمونه صحیح و سرمشق کاملی تناسب با روحیات ایران برای اخذ و تقلید مدنیت اروپا باشند، لازم است که دقت‌های مخصوصی در انتخاب محصلین اعزامی و مخصوصاً رفرم جدی در چگونگی تحصیلات مقدماتی و متوسطه آن‌ها و تعیین رشته مخصوص بر هر کدام و سرپرستی آن‌ها در اروپا و انتخاب مملکتی که اعزام می‌شوند و در سایر نکات لازمه به عمل بیاید تا منظور اصلی از این اقدام به طور کامل انجام داده شود. البته هر کدام از این مواضع و سایر نکات لازمه می‌توانند موضوع مقالات مفصلی باشند ولی منظور اصلی در این سطور اشاره به انتخاب مملکت اعزامی و سرپرستی محصلین در اروپا می‌باشد.

۱. شفق سرخ، شماره ۱۵۵۰، سال نهم، سه‌شنبه ۷ مرداد ۱۳۰۹.

اکثریت عظیم محصلین ما اعم از دولتی و غیردولتی امروز به مملکت فرانسه هجوم می آورند. تشریح مضار طرز تعلیم و تربیت فرانسه که اغلب خودشان نیز از این نوع تربیت اتکالی بیزار هستند برای ما ایرانی ها و این که مختصات مدنیت فرانسه یک سرمشق مناسب و قابل تقلیدی برای ماها نمی باشد از مباحث مفصل بوده و در این جا از بسط و تشریح آن صرف نظر نموده و برای مرجع بودن تربیت انگلوساکسون فقط اشاره می نمایم به مندرجات پربهای کتاب مفید و مؤثر تفوق انگلوساکسون مربوط به چیست و مجلدات راه نو تألیف فاضل محترم آقای کاظم زاده ایرانشهر که حقیقتاً زحمات طاقت فرسای ایشان در این راه قابل هرگونه تقدیر و استفاده عملی برای اولیای وزارت جلیله معارف می باشد.

از آن جایی که از اثر می توان پی به مؤثر برد نکته ذیل یک دلیل قاطع و عملی برای نامساعد بودن فرانسه برای تحصیل جوانان ما می باشد. با وجود این که در سالیان اخیر هزاران محصل ایرانی در فرانسه اقامت داشته اند کمتر دیده شده که مجلات یا انتشارات مفیدی راجع به ایران در آن جا تألیف شده باشد. در صورتی که محققین و محصلین ما در سایر ممالک ارمغانهای پربهایی برای ما به یادگار گذاشته اند! بلاتردید اغلب تحصیل کرده های فرانسه در مراعات رسوم معموله در مجالس و حفظ اصول نزاکت در معاشرت و تلبس با جدیدترین مد و شوخی و شنگی و آشنایی به دقیق ترین رسوم معموله در مجالس رقص و به طور مختصر در این قبیل مسائل بی نظیر می باشد، نباید تصور شود که مقصود انتقاد این گونه ظواهر است، البته این مسائل نیز لازمه زندگی متجدد امروزه است؛ ولی برای ماها که هنوز فاقد لوازم اولیه و حتمیه زندگی هستیم با ملاحظه الاهم فالاهم شاید در درجه دهم از اهمیت باشد.

به عقیده من مملکت آلمان نه فقط از نقطه نظر طرز تعلیم و تربیت برای محصلین ما مفید می باشد، بلکه تحصیل در این جا از بعضی جهات حتی به ممالک انگلیس و آمریکا مرجح می باشد. صرف نظر از گران بودن زندگی در این ممالک و این که خون سردی و ساختمان دماغی انگلیس ها و خون گرمی و میل به زندگی رنگین آمریکایی ها با ساختمان روحی و دماغی ایرانی ها قابل تطبیق نبوده ولی طرز تفکر فیلسوفانه و در عین حال مفید برای زندگانی عملی آلمان ها با ساختمان دماغی ما ایرانی ها بهتر مطابقه نموده و با احتیاجات روحی و اجتماعی ما بیشتر متناسب می باشد. مهمترین نکته که این سرزمین علم و معرفت و سعی و عمل را برای تحصیل ما ایرانیان متناسب تر از سایر نقاط عالم متمدن نموده، وضعیت ایجاد شده در نتیجه جنگ عمومی می باشد. امروز همه می دانیم که معاهده ورسای چه قیود محکم و سنگین سیاسی و اقتصادی و نظامی به گردن این ملت غیور و متفکر گذاشته و این ها چطور با سیاست عاقلانه و مدبرانه امثال راتنو و شترزمان و غیره با کمال متانت و خونسردی با پلتیک صلح و سلم و ادای تعهدات، آب رفته را به جوی باز آورده و به ملت آلمان موقعیت مناسبی دادند که خود را از حیث اقتصاد و فن تکمیل نموده و با سایر دول هم قدمی نماید.

امروز تمام افراد این ملت از عالی و دانی و عالم و عامی با مقدرات در جنگ و جدل بوده و باید هزاران اشکالات اقتصادی و غیره را در هم شکسته و از زیر بار سنگین و طاقت فرسای غرامات جنگ قدی علم نموده و با زور علم و صنعت خسارات جنگ را جبران نمایند. البته یک نفر محصل ایرانی اگر در تحت تأثیر همچون محیطی تربیت شود با اوضاع ایران فقیر که باید هزاران مشکلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را از بین برداشته و خود را از این زندگی پست بدوی نجات دهد متناسب تر می باشد.

امروز محصل در آلمان با هرکس که معاشرت نماید، اعم از معلم، شاگرد تاجر یا بازیگر و غیره و به هر جاکه رود، اعم از مدرسه یا تماشخانه همه شاهد مبارزه عالمانه و شجاعانه افراد این ملت با مشکلات اقتصادی و غیره می باشد. ولی بالعکس زندگی ملت آمریکا تا انگلیس و فرانسه با وجود بعضی اشکالات اقتصادی که گاهی پیدا می شود به طور کلی تجملی بوده و به هیچ وجه نمی تواند یک سرمشق برای ملت فقیر و ناچیز ما باشد. بهترین دلیل عملی برای سوء تأثیر تحصیل در این ممالک توجه به افکار و عملیات تحصیل کرده های ما در آنجا می باشد که اغلب شان تمدن و تجدد را فقط در تقلید کورکورانه ظواهر فریبنده زندگی رنگین اروپا و آمریکا دانسته و تصور فرموده اند که این فروغات موجد تمدن امروزی می باشد و هیچ دقت نمی نمایند که این ظواهر درخشان فرع و تولید شده تمدنی است که این ملل در نتیجه هزاران زحمات و مشقات به درک آن نائل شده اند. تنها امتیاز این گونه متجددین یک مقدار معلومات متواری و زبان خارجی و تأسیس کلپ های شبانه برای موانست و خوشگذرانی و بازی و تهیه وسایل تفریح می باشد. علاوه بر این اغلب محصلین ما در خارجه مخصوصاً در انگلستان در تحت نفوذ قوی و فوق العاده مدنیت و عظمت و قدرت نظامی و کشوری و روحی آنها به کلی تسلیم شده و از آرزوی این که ملت ضعیف و ناتوان ایران روزی بتواند با آنها همسری و مقابله نماید به کلی مأیوس می شدند و اغلب فاقد غرور ملی شده و حتی اغلب این فکر در آنها تزریق می شود که ما هم باید خود را به دامن یکی از این دول عظیمه انداخته و از نعم های مدنیت متنعم باشیم. ولی وقتی که یک نفر محصل در آلمان مشاهده می نماید که چطور یک ملت دست و پا بسته بدون قوه و قدرت دماغ معذک با تمام دول مقتدره با زور علم و صنعت و اراده توانای خارق العاده جنگیده و زنجیرهای اسارت و بدبختی را گسیخته بدون سستی و فترت و خستگی بدون اعتناء به عظمت اشکالات موجوده با استقامت و دوام خود را رفته رفته از تنگنای اشکالات سیاسی و اقتصادی خلاص و قدم به قدم طلسم های هولناک و خطرناک را شکسته و دوست و دشمن را به عظمت و لایزال بودن خود مقرر می نمایند.

البته این مشاهدات تأثیرات خود را بخشیده و جوانان محصل ایرانی را نیز برای مبارزه با مشکلات سیاسی و اقتصادی و غیره مجهز و برای تنازع بقا بهتر مهیا و آماده خواهد نمود. در خاتمه این موضوع، می خواهم به این نکته اشاره نمایم که گویا بعضی ها با یک اغراض اتفاقی

شخصی مایل هستند که آلمان و مخصوصاً برلین را در نظر اولیای امور مهد و پرورشگاه افکار دست چپ - بلشویزم - نشان بدهند و این موضوع حتماً در اعزام محصل به این مملکت تأثیر سوءیی خواهد داشت؛ در صورتی که قضیه کاملاً بعکس می باشد. مخصوصاً پس از جنگ عمومی کلیه مدارس عالیۀ آلمان کانون ملیون افراطی می باشد، با وجود این که در اغلب ممالک دیگر پرفسورهای مدارس عالیۀ اغلب متمایل به سوسیالیزم می باشند، در آلمان بالعکس اکثریت عظیم پرفسورها و محصلین از ملیون دو آتشۀ بوده و پیشرو استقرار مجدد حکومت سلطنتی می باشند.

### سرپرستی محصلین در اروپا

قسمت دیگری که در این جا می خواستم مختصراً به آن اشاره نمایم موضوع سرپرستی است. اداره محترم سرپرستی محصلین در اروپا به هیچ وجه منظور اصلی از این موضوع را در نظر نگرفته و نهایت سعی و جدیت به عمل می آورد که یک نمونه کوچک ولی کامل و صحیحی از اوضاع اداری معارف ایران و طرز تعلیم و تربیت معموله در مکاتب ابتدایی و مدارس متوسطه ایران در اروپا ایجاد نماید. حقیقتاً از این حیث باید از کارکنان این اداره محترم ممنون بود که در مرکز مدنیت اروپا به این کار مهم موفق شده و یک کانون صحیحاً ایرانی ایجاد نموده و با تمام قوای خود از نفوذ افکار فاسد فرنگی ها جلوگیری می نماید. و امیدواری کامل حاصل است در صورت ادامه این اوضاع محصلین در حین مراجعه به وطن عزیز در افکار و اخلاق خود به قدر سرسوزنی تغییر نداده و همان طوری که از ایران بیرون آمده اند مراجعت خواهند نمود!

اگر من بنویسم که اداره سرپرستی جوانان را مانند موم در دست خود فرض نموده و مایل است مطابق اراده و فکر خود به آن ها اشکال لازمه را بدهد البته بعضی ها اغراق تصور خواهند نمود ولی بدبختانه قضیه بدون مبالغه همین طور است. اداره سرپرستی به هیچ وجه معتقد نمی باشد که باید استعداد ذاتی و درونی جوانان مطابق مقتضیات طبیعی خود نشو و نما نماید. اداره سرپرستی یک مانع و رادع بزرگ این نشو و نما بوده و نهایت سعی به عمل می آورد که احیاناً بعضی جوانان فضول در مقابل نقشه ها و دیسپلین نظامی اداره سرپرستی ولو فکراً اظهار نظریه نمایند آن ها را محکوم به تمرد نموده و خفه نمایند، حقیقتاً مورد بسی تعجب است. در صورتی که وزارت جلیله معارف و اولیای امور معتقد به این مسأله شده اند که مدنیت اروپا و طرز تعلیم و تربیت آن را تا اندازه ای که با ساختمان دماغی ایران مطابقت دارد بایستی اتخاذ نمود، به چه مناسبت در موضوع سرپرستی کاملاً با اصول قرون وسطی و یا اوضاع معموله در مکتب خانه های امروزی ایران رفتار می شود. کارکنان اداری سرپرستی تصور می فرمایند که وجوه مصروفه دولت برای تربیت جوانان برای خرید فکر و عقیده آن ها بوده و محصل دولت در مقابل این ثمن بخش تمام عزت نفس و شرافت خود را فدای هر مأموری نموده و به هیچ وجه از تملق

و چاپلوسی فروگذاری نمی‌نمایند. برای این‌که این عرایض حمل به مبالغه و اغراق نشود چند شاهد و مثال ذیلاً از رفتار روحی و اداری سرپرستی برای نمونه عرض می‌نمایم.

اخیراً یک نفر از محصلین به جرم این‌که به خلاف رسوم و آداب آباء و اجدادی فضولی نموده و در مقابل حرف بزرگان یعنی رئیس محترم دفتر سرپرستی اظهار عقیده نموده و در صحت و قانونی بودن فرمایشات حضرت ایشان تردید نموده بود و یک قدری از اوضاع مدارس عالیّه اروپا و طرز رفتار پرفسورهای معروف عالم با محصلین شرح داده و طرز تعلیم و تربیت امروز را گوشزد رئیس محترم نموده و تقاضا کرده بود که اداره محترم سرپرستی لطفاً با آن‌ها حتی‌الامکان با همان اصول رفتار نماید، فوراً بدون چون و چرا برای عبرت دیگران محکوم به تمرد از اوامر عالیّه شده و از حقوق حقه خود محروم و محکوم به معاودت جبری به ایران شد، در صورتی که مطابق تصدیق‌هایی که در دست دارد یکی از بهترین محصلین می‌باشد.

یک نفر دیگر از محصلین باهوش و ساعی به جرم این‌که به خلاف میل یکی از اعضاء سرپرستی حاضر نبوده که مجدداً چند سال عمر خود را در مدارس ثنوری‌باف متوسطه پاریس تلف نماید، محکوم به تمرد و معاودت به ایران شد. حقیقتاً این جوان به مناسبت هوش و ذکاوت فوق‌العاده و سعی و زحمات خود بلاتردید از همین مدارس متوسطه بیشتر معلومات داشت.

۸ یک نفر محصل در جواب سؤالاتی که راجع به مخارج ماهیانه‌اش از طرف سرپرستی محترم به عمل می‌آمد وجه مختصری برای تلفن قلمداد می‌نمود. رئیس محترم جواب دادند که شما یک نفر محصل دولت ده تا تلفن در ماه برای چه می‌کنید شما به اروپا نیامده‌اید فقط درس بخوانید بلکه راه زندگی را نیز یاد گرفته و قناعت نموده تلفن ننمایید! یک نفر از حضار فضولی نموده، جواب داد فرمایش حضرت رئیس تعجب‌آور است تلفن نکردن صرفه‌جویی نیست. مثلاً وقتی ما به اداره سرپرستی می‌آییم اغلب اتفاق می‌افتد کسی آن‌جا نیست مخارج سواری رفت و آمد چند برابر پول تلفن می‌شود و اگر پیاده آمده و برویم اقلّاً دو ساعت وقت تلف می‌شود عین عبارت حضرت رئیس محترم در جواب: «آقای... در مقابل گفته‌های من نباید چون و چرا و محاجه بکنید این‌ها که من می‌گویم اوامر است بدون تخلف باید اجرا کنید.»

یک نفر از اولیای وزارت جلیله معارف در اروپا دستور می‌داده که سرپرست باید محصلین را یکی یکی به بازار برده و تمام لوازم زندگی را اعم از پیراهن و زیرشلواری و جوراب و غیره شخصاً برای آن‌ها خریده حتی‌الامکان پول دست آن‌ها ندهد. در جواب ایشان اظهار می‌شود، این نوع رفتار با جوانان در اروپا خیلی مضحک می‌باشد. ایشان می‌فرمایند من هم می‌دانم ولی وکلا و وزرای ما در تهران این‌طور می‌خواهند!

اداره محترم سرپرستی در پاریس از بین محصلین راپورت‌چی و جاسوسی معین کرده بود که از اوضاع دیگران مطلع شود این نوع رفتار و ظنین کردن محصلین به هم دیگر که گویا بالاخره

منجر به کتک کاری هم شده است، نمی دانم چطور با اوضاع تربیت قرن بیستم مطابقت می کند. یکی دو مثال نیز از اوضاع اداری سرپرستی و مساعدت های گران بها با محصلین عرض می شود: چندی قبل در اداره محترم سرپرستی یک نفر از شاگردان وزارت جلیله جنگ را ملاقات کردم که می دانستم دو روز قبل از نداشتن پول بی ناهار مانده بود و شب یک نفر از محصلین دیگر او را به شام دعوت کرده بود و آن محصل و بنده وجه جزئی به عنوان قرض برای مخارج دو روزه او داده بودیم. این محصل در اداره سرپرستی تقاضای مساعدت می کرد، رئیس سرپرستی جواب می داد: دادن مساعدت مطابق اخطار رسمی متروک شده، محصل اظهار داشت در حساب او اشتباه به عمل آمده و بنده حس کردم که این جوان از بی دست و پایی نمی تواند درست واضح نماید. بنده با وجود این که برای سرپرست محترم نامطوبع بود ولی فصولی کرده و دخالت در موضوع نموده و با کمال سادگی ثابت نمودم که محصل چهل یا پنجاه مارک - فعلاً در نظرم نیست - از اداره سرپرستی طلب دارد محصل پول را گرفته و رفت.

یک نفر از محصلین اعزامی وزارت پست و تلگراف که یکی از محصلین ساعی و جدی بوده و تحصیلات خود را در مدرسه عالی فنی برلین به عمل آورده و فعلاً مشغول دادن امتحان دیپلم بوده و یک قسمت امتحانش را با نمرات خوب و خیلی خوب از عهده برآمده، تقریباً در یک ماه و نیم قبل به سفارت و اداره سرپرستی رفته و تقاضا می نماید یک ورقه ضمانت امضاء نمایند که ایشان بتوانند از کتابخانه مدرسه کتب امانت گرفته و خود را بر امتحان حاضر نمایند. شارژ دافر سفارت و رئیس اداره سرپرستی حاضر به ضمانت نمی شوند پس از گفت و شنود و چکش های زیاد، سفارت شاهنشاهی و اداره سرپرستی حاضر می شوند که برای مدت یک ماه تمام ضمانت نمایند در صورتی که در اوراق چاپی ضمانت نامه کمتر از یک سمتر - نیمه سال - هیچ پیش بینی نشده، محصل چون امتحان در جلو داشت ناچار قبول، ولی در حین مراجعت به رئیس سرپرستی می گویم من ورقه چاپی ضمانت نامه را از کتابخانه گرفته می فرستم ولی خواهش می کنم برای یک سمتر ضمانت نمایید. جواب می دهند یک کاری می کنیم پس از ده روز ضمانت نامه به محصل می رسد ولی نه برای یک سمتر و نه برای یک ماه بلکه برای بیست روز! بلی این مدت ده روز که ورقه در پیچ و خم اداری مشغول جریان! بوده، کسر گذارده شده بود. مدیر کتابخانه وقتی ضمانت نامه بیست روزه را می بیند به مساعدت های گران بهای مأمورین این دولت مشرق زمینی یک لبخندی زده ورقه را پاره کرده و خودش شخصاً یک ورقه ضمانت برای یک سمتر امضاء و ضبط نموده محصل ایرانی را آسوده می نماید. صدها امثله و شواهد از این قبیل ممکن است ذکر کرد فعلاً به همین قدر اکتفا می شود.

### شرح خیلی مختصر راجع به اونیورسیته برلین

این مدرسه در تحت اداره سنای اونیورسیته که از پروفیسورها و محصلین انتخاب و تشکیل شده اداره می شود. حتی وزارت معارف نیز نفوذ قابل ذکری در امور اونیورسیته ندارد. برای محصل هیچ گونه پروگرام معین وجود ندارد. هر محصل مطابق اطلاعات خود یا با مشاوره پروفیسورها و ادارات اطلاعات معینه برای این کار مطابق میل و استعداد شخصی خود یک پروگرام برای خود معین می نماید. امتحانات سالیانه ابداً وجود ندارد، برای حضور و عدم حضور محصل در سر درس ایداً کنترلی وجود ندارد، به طور مختصر جمله آزادی بی سرحد معلم و متعلم اساس و روح تعلیم و تربیت مدارس عالیّه آلمان است، آزادی آکادمیکی یک چیز مقدسی بوده حتی پلیس در مواقع مهم سیاسی نیز بدون اجازه مخصوص مدیر اونیورسیته حق ورود به این مکان مقدس ندارد. آلمان ها به «شخصیت» جوانان خود اهمیت می دهند، این ها معتقدند این آزادی نه فقط مضر نبوده بلکه بهتر [ین] مربی جوان بوده و او را برای عهده دار شدن مسئولیت های بزرگ در آتیه تربیت و آماده می نماید، تمام امور اداری و فنی مدارس عالیّه آلمان حتی الامکان بدست خود محصلین اداره می شود، تشکیلات جمعیت محصلین با مساعدت عملی اولیاء امور رستوران هایی درست می کنند که هزاران محصل به نصف قیمت معموله در خارج غذا می خورد. ادارات تهیه شغل های کوچک فرعی برای محصلین بی بضاعت، مساعدت برای زندگی، برای مسافرت، برای تخفیف در سینما و تئاتر و صدها تأسیسات اساسی مهم و مساعدت های گرانها توسط تشکیلات خود محصلین به عمل می آید.

در این چند سطر نمی توان تشکیلات عظیمه و محیرالعقولی که بدست خود محصلین ولی با مساعدت عملی و فکری - نه مخالفت با تمام قوای - اولیاء امور به عمل می آید شرح داد. فرق ما و این ها مانند شب و روز بوده اداره سرپرستی یک وصله یا رنگی به روحیات محصلین در اروپا می باشد. یک نفر سرپرست در این اواخر گفته بود که: «آقا یک نفر محصل دولتی مانند یک سرباز بوده و باید اوامر مافوق را بدون فکر اجرا نماید، دولت این همه پول خرج می نماید محصل نباید این گونه فضولی ها نماید.» اعضاء اداره سرپرستی تصور می فرمایند هرکس جزئی انتقادی در گفته ها و عملیات یک نفر از اعضاء اداره سرپرستی نمود این به منزله تمرد به دولت می باشد. در مملکت ما بدیخانه یک اشتباهی که اغلب به آن دچار می شویم عبارت از این است که هر وقت یک مرد لایقی مثلاً در امور سیاسی پیدا کردیم تصور می کنیم که این به درد همه کاری می خورد ولی یک نفر مأمور دیپلمات لایق همان طوری که نمی تواند میکانیسین باشد، همین طور نمی تواند سرپرستی مطابق تربیت جدید امروزه بکند. و یا کسی که چندی با شاگردان مدارس ابتدایی تهران سر و کله زده لازمه اش این نیست که برای سرپرستی محصلین مدارس عالیّه اروپا نیز لایق باشد وقتی ما معتقد به اخذ اصول مدنیت و طرز تعلیم و تعلم اروپا شده ایم چرا سرپرستی محصلین را به یک کمسیون اروپایی و یا یک عده مرکب از متخصصین اروپایی و ایرانی واگذار نمی نماییم. اگر من محصل نبوده

و حق این گونه فضولی‌ها را داشتیم به اولیاء امور پیشنهاد می‌نمودم که سرپرستی را در تحت نظر متخصصین اروپایی قرار بدهند. ولی در صورت اقدام به این کار اگر مانند استخدام متخصصین فنی و علمی بدون مطالعه و به طور سطحی اقدام شود همان آتش و همان کاسه خواهد بود.

۱۵ یولی ۱۹۳۰

محصل شیمی در اوئیورسیتته برلین

## ۴

### چند عدد هولناک<sup>۱</sup>

در جنگ عمومی، ۱,۸۰۸,۵۴۵ نفر سرباز آلمانی کشته شدند. علاوه بر عدد فوق ۱۴۰۰۰ نفر سرباز از اهالی مستعمرات آلمان کشته شدند. کلیه سربازان فدای این جنگ از کلیه ملل بالغ به ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ نفر بود. در قبرستان ۲۶ مملکت مختلف ۹۰۰,۰۰۰ نفر سربازان آلمانی مدفون می‌باشند در آخر سال ۱۹۲۹ از سربازان آلمانی ۲۰۰,۰۰۰ نفر مفقودالاثربوده‌اند. چهارپایان نیز در این جنگ‌های هولناک فدیایان زیاد دادند. ۹,۵۸۷,۰۰۰ اسب کشته شده. عده مجروحین آلمانی ۴,۲۷۴,۱۴۳ نفر بودند. عده مجروحین کلیه ملل ۱۸,۰۰۰,۰۰۰ نفر بوده‌اند.

آلمان باید ۸۰۰,۰۰۰ نفر از متضررین جنگ را در داخله خود پرستاری نماید. - این عده فقط ثلث متضررین جنگ می‌باشند. قریب ثلث کلیه بودجه مملکت آلمان مصرف خسارت دیدگان داخلی جنگ عمومی است. - احصایه بعضی از خسارت دیدگان جنگ در آلمان که در دست است ۲۸۸۸ نفر کور شده‌اند و ۴۱۰۰۰ امراض ریوی پیدا کرده و ۵۴۱۰ مبتلا به امراض روحی - دیوانگی - شده‌اند. ۴۴۰۰۰ نفر ناقص‌الاعضا و ۳۶۴۰۰ نفر بیوه‌زن و ۱۲۸۰۰۰۰ نفر بی‌سرپرست و ۱۹۳۰۰۰ نفر پدر و مادر بی‌اولاد شده و تنها شهر برلین ماهیانه مقدار یک میلیون و نیم مارک به خسارت دیدگان داخلی جنگ تأدیه می‌نماید. کلیه مخارج جنگ به ۲۴۷ میلیارد مارک تخمین زده شده.

در اعداد ذیل جنگ عمومی کوی سبقت را از همه ربوده بزرگترین قبرستان دنیا در فرانسه است که ۳۰۰۰۰۰ نفر از فدیایان جنگ را در آغوش کشیده.

در مه ۱۹۱۵ فقط در یک جنگ تحت البحری ۱۳۰۰ نفر تلف شدند در ۱۹۱۷ دو هزار نفر انسان فدای یک موج‌گاز خفه‌کن گردیدند از این مقدار ۵۴۰ نفر آنآ تلف شدند.

تنها یک حمله هوایی به لندن علاوه بر سایر مضرات ۲۸۰۰۰ فقره حمله‌های عصبانی و امراض عصبانی را ایجاد نمود.

۱. شفق سرخ، شماره ۱۵۶۷، چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۰۹.